

خواسته‌های تجار و پاسخ مشروطیت به آن

■ سهیلا ترابی

۶- رواج امتعه ایرانی و ممانعت از ورود کالاهای خارجی.
۷- سپردن امور تجار و حل و فصل دعاوی آنها به خودشان.
در واقع از خواسته‌های تجار روشن می‌شود که دو جریان در مقابل آنان قرار داشته است:

۱- نیروی خارجی یا سرمایه‌های بیگانه در کشور، تعداد
۲- نیروی داخلی یا تعدی عمال دیوانی (حکام ایالات).
تجار در مقابل این دو نیرو احساس خطر می‌کردند و واکنش آنها به دو شکل می‌توانست بروز کند: به وجود آوردن تشکل سازمانی و قدرتی هماهنگ در مقابل این دو نیروی مهاجم و تلاش برای تغییر شرایط موجود، برقراری حاکمیتی جدید و واژگونی نهادهای سیاسی سنتی. آنان نخستین راه حل را در گردهمایی‌ها و تشکل‌هایی چون «وزارت تجارت» و «مجلس وکلای تجار» تجربه کردند. دومین راه حل در جریان جنبش تنباکو و تلاش در برقراری مشروطیت به صورت مقابله با استبداد سیاسی شکل گرفت. تجار در حوادثی که به برقراری مشروطیت منجر شد فعالانه حضور داشتند. آنان هزینه مالی کلیه اعتراضها و تحصن‌ها را به دوش داشتند. منابع مربوط به حوادث این دوران، بیشتر از گروه‌های تجار، اصناف و طلاب در کنار یکدیگر نام می‌برد. اما آیا مشروطیت توانست امنیت، قانون و عدالت لازم را برای تسهیل در امور تجارت فراهم سازد؟ پاسخ مشروطیت به نیاز تجار چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها نخست باید به ترسیم عوامل عام و مؤثر در اوضاع تجاری سالهای پس از مشروطیت پرداخت.

■ عوامل مؤثر در اوضاع تجاری پس از مشروطیت

از گزارش‌های کنسولگری‌های روس و انگلیس اینطور برمی‌آید که نه تنها قدرت حکومت مرکزی پس از مشروطیت افزایش نیافت بلکه اغتشاش و بی‌نظمی عمومی بیش از پیش گسترش پیدا کرد. پس از اعلام مشروطیت، درگیری بین مستبدین و مشروطه‌خواهان در ولایات و شهرهای کشور تا مدت‌ها ادامه یافت. در گزارش کنسولی انگلستان ارسالی از کرمانشاه، به اغتشاش و بی‌نظمی شهر و تحصن مردم در تلگرافخانه به منظور فرستادن مأموری از جانب حکومت مرکزی اشاره می‌شود. علت این ناراضی‌های درگیری دو جناح مخالف در شهر بود.

این وضع در دیگر شهرها و مناطق، بین مخالفان و موافقان مشروطه و بین مشروطه‌خواهان و حکام طرفدار استبداد تا مدت‌ها وجود داشت.^(۱)
پس از به توپ بستن مجلس، مردم در سراسر کشور با ورود حکام جدید به مخالفت پرداختند. کرمان و بلوچستان شاهد تهاجم و حمله‌های بی‌وقفه عشایر بود. در مشهد بازار بسته و غارت و تجاوز علنی شد. نبود قدرت دولت مرکزی، این مناطق را به حالت هرج و مرج کامل درآورده بود. عدم آمادگی نظامی به راهزنان اجازه داد بدون هرگونه مانعی به کار خود ادامه دهند.^(۲)
ایلات و عشایر از هر سو تاخت می‌آوردند و حکومت مرکزی توان مقابله با آنان را نداشت.^(۳)

نیمه دوم قرن نوزدهم در ایران، «عصر امتیازات» نامیده شده است. حجم تجارت خارجی ایران در فاصله سالهای ۱۹۱۴-۱۸۰۰ میلادی به سرعت رشد کرد. هر چند نرخ رشد آن به هیچ وجه با افزایش نرخ رشد تجارت جهانی قابل مقایسه نبود.

با ورود ایران به تجارت جهانی و حضور سرمایه‌های بیگانه در کشور، تعداد تجار بزرگ افزایش یافت. تجار ایرانی در دو زمینه به فعالیت می‌پرداختند. یکی در زمینه ایجاد تشکل‌های صنفی و افزایش نقش سیاسی و دیگری در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعتی، تجاری و خدماتی. وزارت تجارت و فلاح، اولین تشکل اجتماعی برای رفع مشکلات صنفی بود که در سال ۱۲۸۹ (۱۸۷۲) ایجاد شد. در سال ۱۳۰۱ (۱۸۸۳) اجازه تشکیل «مجلس وکلای تجار» صادر شد تا در تهران و شهرستانها به امور تجار رسیدگی کند. پس از آن، تجار در دو جریان مهم سیاسی کشور، یعنی جنبش تنباکو و نهضت مشروطیت حضور چشم‌گیر و نقش فعالی داشتند.

■ مشکلات و خواسته‌های تجار

آشفته‌گی و عدم امنیت اجتماعی، موجب تهاجم‌های مختلف به سرمایه و اموال تجار شد. تجار خواهان ایجاد یک حکومت مرکزی قوی بودند تا بتوانند از آنان در مقابل نیروهای مهاجم حمایت کند. طمع حکام و شاهزادگان نسبت به اموال تجار، مصادره املاک و دارایی آنها و قروضی که هیچ‌گاه بازپس داده نمی‌شد، همه باعث دلسردی و عدم اعتماد تجار می‌شد. برخی از نویسندگان آن دوره، در نوشته‌هایشان به عدم امنیت مالی و جانی تجار نیز اشاره کرده‌اند.^(۱)
نه تنها اموال و سرمایه تجار در خطر مداوم مصادره و غارت بود، بلکه هیچ عامل بازدارنده‌ای در مقابل این تجاوزها وجود نداشت. نبود قانون و نظم در محاکمی که حافظ جان و مال مردم باشد، خود از عوامل دیگر آشفته‌گی اجتماعی بود. بسیاری از روشنفکران دوران مشروطه به نبود قانون و عدم هماهنگی احکام شرع و عرف، آشفته‌گی اوضاع عدلیه و نبود قانونی ثابت و روشن در دعاوی مالی اشاره دارند.^(۲)

علاوه بر این مسائل، گسترش روابط تجاری، نفوذ سرمایه‌های خارجی و واگذاری امتیازها-در زمینه فعالیت‌های گمرکی، بانکی و امور مالی کشور- به بیگانگان، ناراضی‌های تجار ایرانی را فراهم کرده بود. سیاست دولت به جز در دوران محدود امیرکبیر، حمایت از کالاهای داخلی نبود و دولت در امور تجاری، مالی و گمرکی، نقش فعال، مثبت و به سود سرمایه‌های ملی نداشت. تجار در سالهای پیش از مشروطیت، خواسته‌ها و پیشنهاد‌های خود را در کتابچه یا اساسنامه‌ای به این شرح مطرح ساختند:^(۳)

- ۱- احترام به مالکیت فردی و تامین حقوق مالی افراد.
- ۲- حفظ املاک و مستغلات.
- ۳- کسر تدریجی قروض از مواجب عمال دیوانی و پرداخت دیون تجار.
- ۴- دراختیار گرفتن بازار پولی کشور.
- ۵- حفظ و حمایت دولت از منافع تجار داخلی.

به وزیر داخله شکایت می کردند.^(۱۳) انگلستان از ناامنی راهها، سرقت و غارت کاروانهای تجاری و حمله ایلات و عشایر و به خطر افتادن منافع تجاری این کشور به شدت نگران بود.^(۱۴) نامه «مستر مارلینگ» به «سرادوارد گری» حاکی از این نگرانی است: «در این اواخر عدم امنیت راههای عمده رو به ازدیاد و شدت بوده و سارقین قشقای، اطراف اصفهان را معرض تاخت و تاز و قتل و غارت نموده اند.... دیروز عباسقلی خان را به هیات وزراء فرستادم که خاطرنشان نماید اوضاع مملکتی در نظر دولت انگلستان تحمل ناپذیر گردیده.»^(۱۵) در گزارش دیگری می خوانیم:

«عده سرقتهایی که در چند روز گذشته در شاهراهها واقع شده است دلالت بر افزایش وحشت انگیز عدم امنیت ایران می نماید.»^(۱۶)

به دلیل عدم امنیت راهها، شرکتهای بیمه تجاری، نرخ خود را افزایش دادند. با آنکه تا سال ۱۳۲۴ (۱۹۰۶) حکومت فارس غرامت اموال مسروقه را می پرداخت و در سالهای ۱۳۲۷ - ۱۳۲۶ (۱۹۰۹ - ۱۹۰۸) به این مسائل رسیدگی می شد.^(۱۷) اما دریافت مالیاتهای غیرقانونی، باج خواهی و عوارض راهداری افزایش یافته بود.^(۱۸) انگلیسیها برای بهبود راههای جنوب چندین بار در این مورد به دولت ایران تذکر دادند.^(۱۹) اولتیماتومی نیز در همین رابطه در ۱۲ شوال ۱۳۲۸ (۱۶ اکتبر ۱۹۱۰) خطاب به دولت ایران صادر شد.^(۲۰)

بدیهی است ناامنی راهها مستقیماً بر امور تجاری تاثیر می گذاشت. این امر مبادله های بولی و امور بانکی را نیز به خطر می انداخت.^(۲۱) نامعلوم بودن اوضاع سیاسی، کساد بول در بازار و عدم امنیت راهها، اطمینان لازم برای مبادله های تجاری را فراهم نمی ساخت.^(۲۲) بر همین اساس تجار با مخابره تلگرافهایی در مورد عدم امنیت، غارت اموال، قحطی و گرانی و ناامنی راهها، به دولت مرکزی شکایت می کردند.^(۲۳)

کنسول انگلیس می نویسد: «... چنانچه مذکور داشتیم نفوذ حکومت مرکزی به کلی از میان رفته و شاهد آن، نداشتن قدرت است در امر و تحکم به اطاعت حتی در مورد رؤسای که تحت اختیار آن واقعدند.»^(۲۷) ارتباط حکام ولایات با دولت مرکزی روز بروز سست تر شده از آنجا که اختیارها بدست انجمن های محلی افتاده با وجود کاهش ظلم حکام، کمتر به مرکز اعتنا می شود.^(۲۸)

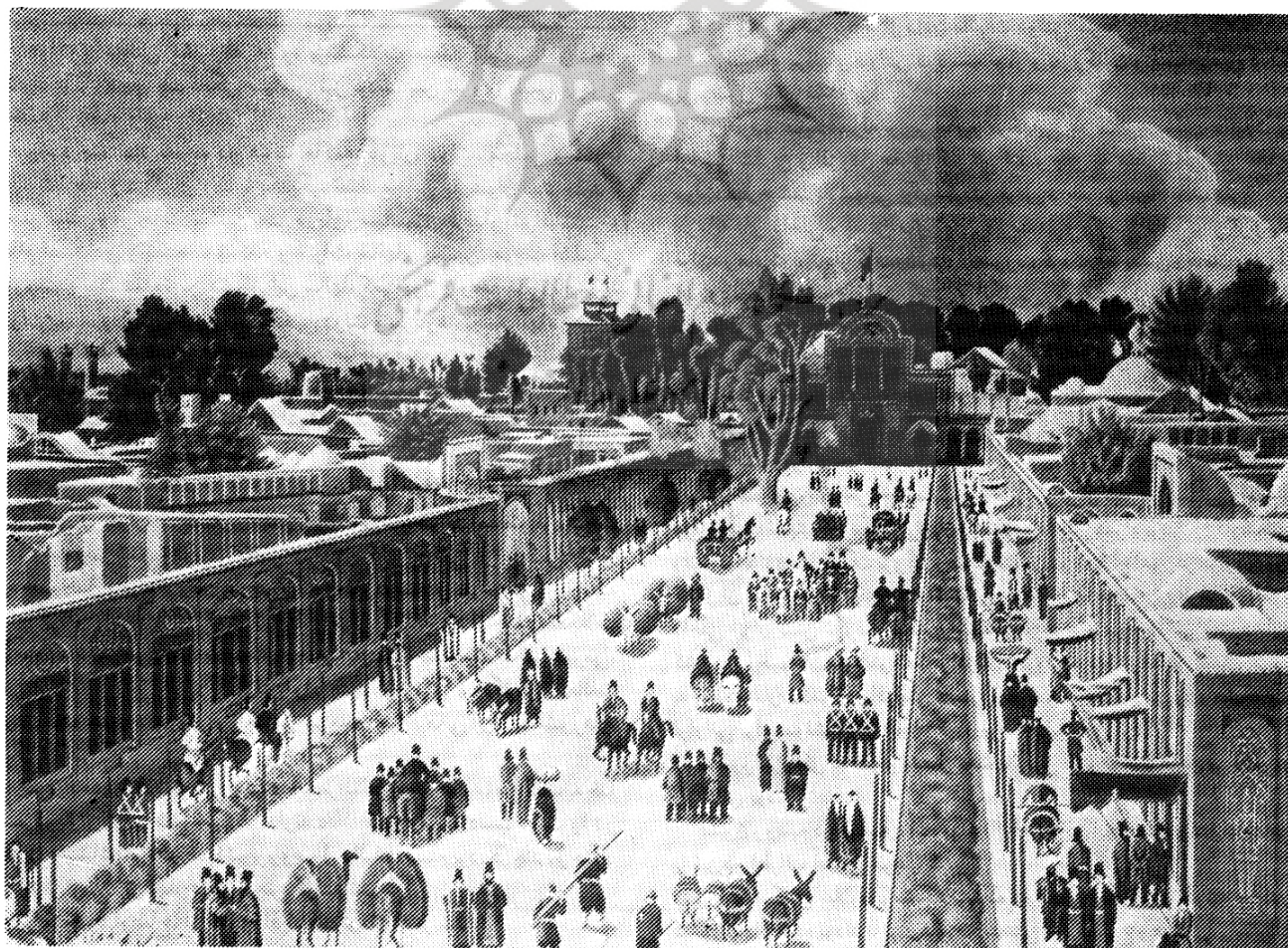
«زنیوف» وزیرمختار روسیه در ایران می نویسد:

«تمام ایران را هرج و مرج فرا گرفته بود. در تمام شهرهای نسبتاً مهم، انجمن های انقلابی نه فقط هیچ قدرتی را بالاتر از خود قبول نداشتند بلکه برعکس اراده خود به تمام ادارات و شاه و مجلس و وزراء و حکام محلی و غیره تحمیل می نمودند.»^(۲۹)

وی معتقد بود قدرت حکومت مرکزی از پایتخت فراتر نمی رفته است.^(۳۰) این وضع موجب هرج و مرج، ناامنی راهها و بی نظمی و بی قانونی امور در اکثر شهرها شده بود.

«اطلاعات حاصله از شهرهای ولایات و ایالات به استثنای معدودی از آنها مبنی است بر اینکه امنیت جانی و مالی کمتر از سابق است. در صورتیکه بی قانونی عمومی در مملکت هنوز تخفیف نیافته. اقتدار حکومت مرکزی تقریباً صفر می باشد و اگر هم اقتداری دارند فقط توسط انجمن های محلی اعمال می شود و نفوذ دولت را در این انجمنها نیز، ثابت و دائمی نمی توان دانست.»^(۳۱)

این وضع موجب اعتراضهایی از جانب اقشار مختلف اجتماعی شد: «چون بی نظمی مملکت وضع بدتری یافت، انجمنهای مختلطه متحداً روز ۱۹ نوامبر عریضه ای به مجلس معروض داشته تقاضای اقدامات سریعه در استقرار نظم نمودند.»^(۳۲) تجار جنوب نیز طی تلگرافی از بی نظمی ولایت و بی لیاقتی حاکم آن خطه



در تلگرافی از تجار خراسان چنین میخوانیم:

«مدتی است که سارقین فارس راه شیراز و بندرعباس و کرمان و یزد را میدان تاخت و تاز خود قرار داده، دهات را چابیده، زنها را داغ کرده، برادران ما را کشته، اموال تجار را به سرقت می بردند... قوافل بی دربی آمده در طیس از ترس سارقین توقیف است... چگونه سزاوار است تجارت که روح مملکتی است به کلی از ناامنی طرق و شوارع مختل بماند و عبور و مرور زوار و غیره بکلی قطع شود... لهذا ناچار شده تمام حجرات خود را بسته در تلگرافخانه متحصن شویم. مادامیکه قلع و قمع کلیه سارقین نشود نمی توانیم متحمل امورات تجارتنی خود شویم. تمام دارایی مان در بیابان، برواتمان معوق... مادامیکه تامین واقعی حاصل نشود، اطمینان به حمل و نقل يك شاهی مال التجاره نداریم. اقدامات قولی رفع اشرار را نکرده و نخواهد کرد.»^(۲۴) حکومت مرکزی در مقابل تلگراف تجار و اعلام تحصن آنها اعلام می کند که سربازانی برای جلوگیری از فعالیت اشرار اعزام داشته و به حکومت شهرها نیز تلگراف شده است. از تجار خواسته می شود به تحصن خاتمه داده و به دولت که نظم و آسایش مردم را از اهم اقدامات خود می داند، اطمینان کنند.^(۲۵) اما وضعیت نامساعد و نارضیاتی تجار به حدی بود که در گزارشهای کنسولی انگلیس می خوانیم: «تجاری که برای ناامنی طرق به طهران شکایت نموده اند شاید مداخله قشون خارجه را برای قراسورانی طرق استقبال بنمایند.»^(۲۶)

«زینوف» در همین مورد می نویسد: «دولت انگلیس تصور می کرد که برای بریتانیای کبیر و روسیه بهتر می بود بکلی از امور داخلی ایران کناره جویی نموده و بگذارند هرج و مرج آنقدر ادامه یابد تا بالاخره نیروی قوی تر، تسلط یابد.»^(۲۷)

مشکلات دولت و مجلس در نخستین سالهای مشروطیت

دولت و مجلس مشروطه علاوه بر مشکلات متعدد سیاسی، در داخل کابینه ها^(۲۸) دچار چندگانگی سیاسی نیز بودند. بین نیروی پلیس و قوای بختیاری تضاد وجود داشت.^(۲۹)

وجود چند نهاد قدرت در هیات حاکمه، دربار، دولت، مجلس و شاه یا نایب السلطنه و درگیری آنها با یکدیگر، تضاد مجلس به عنوان نهاد جدید با بخش سنتی و ارتجاعی پیشین یعنی دربار و سیاسیون طرفدار اشرافیت^(۳۰) و نظام استبدادی وابسته به بیگانه و میراث سالهای پیشین، موجب آشفتگی امور شده بود. عمده ترین مشکل این سالها، کمی پول و وضع مالی نامساعد دولت بود. نپرداختن حقوق مستخدمین دولت و سربازها، تجمع آنها در میدان توپخانه و مطالبه حقوق گذشته، تحصن صاحب منصبان پلیس و ژاندارمری در خانه حاکم طهران بدلیل پرداخت نشدن پانزده ماه حقوق عقب مانده^(۳۱) موجب گشت که سربازان، خود با اشرار و غارتگران همراهی کرده و امنیت راهها بیش از پیش به خطر افتد.^(۳۲)

ادعای صرافها و طلب کاری از دولت و تحصن آنها در خانه اتابک، کسادی و بی پولی در بازار،^(۳۳) فشار وامهای گذشته دولت، شرایط سخت بازپرداخت آنها و مصرف شدن مهم ترین بخش درآمدی کشور یعنی عواید گمرک برای پرداخت اصل و فرع قروض خارجی^(۳۴) و اجبار دولت در نظرخواهی از روسیه برای گرفتن وام جدید^(۳۵) که از شرایط وامهای گذشته بود از جمله مشکلات موجود به شمار می رفت. با اینحال مجلس به دلیل حساسیت افکار عمومی، پس از اعلام مشروطیت با گرفتن وام جدید از روس و انگلیس مخالفت کرد.^(۳۶) در عین حال روس و انگلیس نیز مانع ارتباط مالی ایران با کشورهای دیگر شدند.^(۳۷)

تقی زاده در خاطراتش می نویسد: «ناصرالملك (وزیر مالیه) می گفت به خدا قسم دربار و دولت شام شب هم ندارند.»^(۳۸) کمیود مالیه دست دولت را در کنترل اغتشاشهای اطراف کشور و وصول مالیات بسته بود. هر چند در حدود ۲۰ هزار تومان، از تجار داخل قرض گرفته شد.^(۳۹)

برای بهبود اوضاع، از حقوق افراد يك تومان کسر شد.^(۴۰)

■ وزارت تجارت و فلاحت، اولین تشکل اجتماعی برای رفع مشکلات صنفی بود که در سال ۱۲۸۹ (۱۸۷۲) ایجاد شد.

■ در سال ۱۳۰۱ (۱۸۸۳) اجازه تشکیل «مجلس وکلای تجار» صادر شد تا در تهران و شهرستان ها به امور تجار رسیدگی کند.

■ در سال های نخست پس از مشروطیت، اخراج مستشاران بلژیکی از گمرک، موجب خشنودی تجار شد.

■ در سال های نخست پس از مشروطیت، با تصمیم جلوگیری از اعطای هرگونه امتیاز تجاری، صنعتی، کشاورزی و خدماتی به بیگانگان بدون تصویب مجلس، تا حدی هجوم سرمایه های خارجی به کشور محدود می شد و این، یکی از خواست های تجار بود.

■ متمم قانون اساسی، احترام به مالکیت و ممنوعیت مصادره اموال و دارایی افراد را مطرح ساخت و این، از نظر قوانین می توانست امنیت و اطمینان لازم برای رشد سرمایه را تامین کند.

کلیه درآمدهای کشور - از مالیات و تذکره و دیگر عواید - به دلیل آشفتگی اوضاع اجتماعی کاهش یافت. حکام ایالات از جمله شاهزادگان قاجار که از ملاکین بزرگ نیز بودند از دادن مالیات دولتی سرباز زدند.^(۴۱)

حواله ها و براتهای دولتی دردست تجار و بازرگانان و مستخدمین دولت بی وصول باقی مانده بود.^(۴۲)

از طرف صنایع الدوله وزیر مالیه طرحهایی به منظور بستن مالیات به اراضی شهری و افزودن حقوق گمرکی قند و چای به منظور افزایش عایدی دولت مطرح شد. تلاشهایی برای گرفتن قرض داخلی و ایجاد بانک ملی^(۴۳) با سرمایه های داخلی و بستن مالیاتهای غیرمستقیم و وضع مالیات از قرار يك قران در ماه که از تجار گرفته شود^(۴۴) صورت گرفت. اما بدلیل وخامت بیش از حد اوضاع کشور و مخالفت روس و انگلیس، موفقیتی در این زمینه حاصل نشد.^(۴۵)

استخدام مستشاران مالی آمریکایی برای سرو سامان دادن به مالیه کشور با مخالفت شدید روسیه مواجه و منجر به صدور اولتیماتوم شد. نیروهای روسیه در انزلی پیاده شدند و انگلیسی ها نیز اعلام کردند نیروهای خود را به بخش جنوبی کشور وارد خواهند کرد.^(۴۶)

این مساله موجب خروج مستشاران مالی از ایران شد. هر چند این واقعه با ابراز تاسف نمایندگان مجلس، تجار و اصناف داخلی همراه بود.^(۴۷) کارشکنی و سنگ اندازی و قدرت بزرگ و ممانعت آنان در اصلاح امور از مواردی بود که از آن سخن بسیار گفته شده است. روسیه نه تنها موضع بی طرفی در امور داخلی ایران پیش نگرفت بلکه برآشفتگی و هرج و مرج داخلی افزود. این کشور از رحیم خان چلیپانلو که از راهزنان معروف بود در مناطق شمال غربی به حمله و غارت اموال و افزایش ناامنی و هرج و مرج دامن می زد و مشکلات فراوانی برای دولت ایران ایجاد کرده بود، حمایت می کرد.^(۴۸)

حضور نیروهای بیگانه و اشغال بخشهایی از کشور، خود عامل بی نظمی و اغتشاش بود.^(۴۹)

قشون روسیه در خراسان، آشوبها و ناآرامی هایی ایجاد کرد و قتل عامهایی را نیز در اطراف آستارا موجب شد.^(۵۰)

دولت مرکزی علاوه بر مشکلاتی که دولتهای بیگانه در گوشه و کنار کشور ایجاد کرده بودند با نیروهای محمدعلی شاه مخلوع و هواداران استبداد

حاکمی از کمبود نان و گرسنگی در شهرهای دیگر بود: «اهالی تبریز برای مطالبه و حصول گندم به تلگرافخانه... اجتماع نموده و در آن روز یک نفر از تجار متمول شهر را به احتمال این که گندم احتکار کرده است بقدری زدند تا هلاک گردید. بعد جسدش را در خارج تلگرافخانه آویختند و تا مدتی اضطراب شدیدی مردم را فرا گرفته بود. چنانچه صاحبان غله و گندم از ترس مصمم شدند که به قنصلخانه اعلیحضرتی (سفارت انگلستان) پناهنده شوند.»^(۵۶)

از نامه‌ها و تلگرافهای مبادله شده بین همدان و تهران تا حدودی می‌توان به کانالهای مختلف تامین ارزاق عمومی و جناحهای مؤثر در آن پی برد:

«گندم را امروزه در شهر همدان یکمصد من... اداره مالیه به بیست و هشت تومان به خباز می‌فروشد، از مال حضرت والد فرما فرما و بعضی از خوانین هم آنچه وارد شهر نمایند، نود من گندم، ده من خاک و غیره به بیست و هشت تومان ایضا به خباز می‌فروشند.»^(۵۷)

بر پایه این گزارش، گندم از سه طریق تامین می‌شده است:

۱- محصولی که از طریق مالیات جنسی در انبارهای دولتی جمع‌آوری شده و به قیمت دولتی به فروش می‌رسید.

۲- محصولی که توسط خوانین و ملاکین - که گاه از دولت‌مردان بودند - وارد شهر شده و نسبت به نوع اول کمی گرانتر عرضه می‌شد.

۳- در شیوه سوم از واسطه‌هایی نام برده شده که محصول را به دست فروشها داده و به مبلغ گرانتری به فروش می‌رساندند.

این گروه یا خود از ملاکین و زمیندارها بودند و یا به عنوان دلال عمل میکردند که موجب افزایش قیمت می‌شد. احتکار ملاکین و تقلب آنها در پرداخت مالیات جنسی^(۵۸) یکی از علل این کمبود بود. اقدامهای دولت برای رفع مشکل از این قرار بود: مذاکره با خوانین و ملاکین و محتکرین،^(۵۹) فروش گندمهای موجود در انبارهای دولتی به خبازخانه‌ها،^(۶۰) گزارش موجودی گندم افراد به بلدیة و فروش آن به قیمت عادلانه و در صورت خودداری صاحبان آن، استفاده از نیروی نظمیة برای گرفتن موجودی گندم.^(۶۱) بدیهی است استفاده از قوه قهریه موجب درگیریهایی بین طرفهای ذینفع می‌شد.^(۶۲)

افزایش قدرت حکومت مرکزی خود عاملی در حل این مشکل بود. اما از نامه‌ها و گزارشهای موجود، میزان توانایی حکومت مرکزی در کنترل امور و موفقیت عملی آن مشخص نیست. البته علاوه بر احتکار، موارد دیگری چون

نیز مواجه بود. قسمتهای شمالی درگیر نیروهای شاه مخلوع و روسیان بود. سالارالدوله در کرمانشاه و همدان طغیانهایی ایجاد کرده بود. شهرهای استرآباد و کاشان نیز درگیر ناآرامی بود.^(۵۱) ایل بختیاری برای مقابله با شاهزادگان و منتفذان محلی مخالف دولت، فراخوانده شد و این امر به ناامنی راههای جنوبی و اعتراض انگلستان انجامید.^(۵۲)

وزیرمختار انگلیس در گزارش خود به ناتوانی دولت در تسلط بر اوضاع کشور اشاره داشت:

«من هیچوقت موقعی را از دست نداده و به دولت ایران کتباً و شفاهاً اهمیت و لزوم اقدامات جدی برای خاتمه دادن به این اوضاع را تاکید و خاطر نشان نموده‌ام... معذالك می‌ترسیم که این اظهارات به کلی بی‌فایده باشند. زیرا که دولت بخوبی از اوضاع مسبوق است. ولی نه پول دارد و نه استعداد.»^(۵۳) دولت مشروطه علاوه بر مسائل یاد شده - بحران مالی، ناتوانی در پرداخت مواجب، تشنج‌های سیاسی، نامساعد بودن اوضاع تجاری و فشار و کارشکنی دو قدرت بزرگ - با معضل اجتماعی دیگری نیز مواجه بود و آن مساله گرانی، قحطی و گرسنگی رایج در کشور بود که خود، ناآرامی اجتماعی و طغیانهایی را در شهرها باعث می‌شد. حاج شیخ محمدتقی و کیل الرعايا وضعیت مردم شهر همدان را به عین‌الدوله وزیر داخله چنین شرح می‌دهد:

«آن دو عریضه هم تماماً راجع به بدبختی این بیمار مردم و کسب تکلیف بود... شاید از مسلمین روی زمین استمدادی می‌توانست نماید که این بیچاره‌ها که از بهترین نژاد دنیا محسوب می‌شوند از اضطراب و گرسنگی، سیمای آنها با مرده‌های چندین ساله که در موزه‌های اروپا دیده می‌شوند مشابهتی تمامی نداشته باشند.»^(۵۴)

در واقع این نامه دادخواهی از دولت مرکزی و نمونه‌ای از اوضاع شهرهای ایران در سالهای پس از اعلام مشروطیت بود. در گزارش دیگری چنین می‌خوانیم:

«در شهر (همدان) و اطراف، امنیت برقرار است. فقط چیزی که فدوی را به زحمت انداخته مساله نان شهر و قحطی و گرانی گندم و فزونی فقرا و قحطی زدگان است که دیروز نزدیک بود غائله در شهر به پا کنند، قریب یکهزار نفر جمع شده از گرسنگی داد و فریاد می‌کردند.»^(۵۵) گزارش‌های دیگر نیز



■ در مجلس دوم، تعداد تجار و اصناف، کاهش بسیار یافت و نیروهای ایلی و زمینداران بزرگ که در فتح تهران، فعالانه شرکت داشتند، سهم خود را در سیاست کشور طلب می کردند.

■ به رغم جو ضدبیکانه و مخالفت با استقراض خارجی در مجلس اول، در مجلس دوم اجازه استقراض دو کرور و نیم لیره از بانک شاهنشاهی صادر شد.

■ تجار در سال‌های پایانی عصر قاجار، حضور مجددی در اوضاع سیاسی کشور یافتند تا تمرکز سیاسی موردنظر خود را برای فراهم ساختن امنیت لازم در امور تجاری، ایجاد کنند.

* اصل پانزدهم: «هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تادیه قیمت عادلانه است.»
* اصل شانزدهم: «ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.»

* اصل هفدهم: «سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.»
این اصول نه تنها احترام به مالکیت را مطرح می ساخت بلکه تصرف، مصادره و ضبط املاک و اموال افراد را مگر در شرایطی که قانون تعیین می کند، ممنوع می کرد. این موارد در صورت اجرا می توانست امنیت و اطمینان لازم برای رشد سرمایه را ایجاد کند.

در قوانین مصوبه مجلس اول و در طرح کلیات قانون بلدی، اداره اموال منقول و غیرمنقول و سرمایه های متعلق به شهر، همچنین مراقبت در امر آذوقه، مساعدت در ساختن بازارها و نمایشگاههای تجاری و کلا مراقبت در رواج حرفه و تجارت شهر به عهده دولت و نمایندگان آن در شهرها قرار گرفته بود.^(۷۴)
در ماده ۴۱۱ قانون تشکیل ایالات و ولایات گفته می شد: «چون پیشرفت تجارت منوط به صحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوص نسبت به طرق و شوارع خواهد داشت.»^(۷۵)

بجز موارد پیش گفته که مورد علاقه تجار و مؤثر در امور تجاری محسوب می شد، از جمله خواستهای دیگر کوشندگان مشروطیت، اصلاح محاکمات و وضعیت قضایی کشور بود. اصول هفتاد و یکم تا هشتاد و نهم متمم قانون اساسی، به مسائل عدلیه و محاکمات می پرداخت.

طبق این اصول، وضعیت، حوزه عمل قوانین و تعداد مراکز محاکم عدلیه مشخص و محکمه ها با قوانین مشخص، یکسان و همگانی، متمرکز و کانالیزه می شد. البته در بیشتر این اصول از محاکم عرف سخن گفته شده است. تنها در اصل هفتاد و یکم می خوانیم: «دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه، مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است.»^(۷۶)

در بند دوم از اصل بیست و هفتم چنین آمده است: «قوه قضاییه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه، مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرضیات»^(۷۷) تنها در این اصل، محاکم شرعیه و حوزه فعالیت آنها مطرح می شود. در حالیکه در کلیه اصول مربوط به عدلیه، محاکم رسمی و قانونی که کلیه قوانین مذکور به امور آنان می پرداخت، محاکم عرف بودند. هر چند صریحاً به آن اشاره ای نمی شود، ولی حوزه محاکم شرعیه که تا پیش از این در کلیه امور دخالت داشت تنها به قضاوت در امور شرعیه محدود می شد و تحت پوشش قوه قضاییه قرار می گرفت و استقلال و قدرت پیشین خود را عملاً از دست می داد. در گزارشهای کنسول انگلیسی در این

نامساعد بودن محصول کشاورزی، حمله اشرار و عدم امنیت^(۶۳) و نامساعد بودن راهها، طولانی بودن مسیرها و نبود وسیله حمل و نقل سریع می توانست از عوامل دیگر این کمبودها و نارسایی ها باشد. در تلگرافی از همدان چنین می خوانیم: «چاکر برای حمل گندم، شتردار به هر طرف فرستاده، لیکن تا برسند اقلا ده روز طول خواهد کشید.»^(۶۴)

در کشور تمرکز اقتصادی وجود نداشت و وضعیت راهها و حمل و نقل به شیوه ای بود که امکان داشت در ایالتی قحطی و در ایالت مجاور، مازاد محصول وجود داشته باشد. از آن جا که هنگام ورود کالا به شهر، «اداره قوافل» اجازه ورود صادر می کرد، گاه اجناس توقیف و یا مشکلی ایجاد می شد و همین مسأله ارتباط تجاری بین شهرها را مختل می ساخت و رفت و آمد قافله ها به سهولت صورت نمی گرفت^(۶۵) و انتقال سریع ارزاق شهرها را غیرممکن و کند می ساخت.

■ پاسخ مجلس به نیاز تجار

مجلس اول از تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ (۱۷ اکتبر ۱۹۰۶) آغاز شد و تا ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸) ادامه یافت و توانست قوانین و لوایحی که شامل کلیات و اصول حکومت مشروطه بود. به تصویب برساند.^(۶۶)
انتخابات دوره اول مجلس نمایندگان از بین گروههای مختلف اجتماعی و به صورت طبقاتی صورت گرفت.

در ماده دوم نظامنامه در شرایط انتخاب کنندگان گفته می شود که ملاکین، تجار و اصناف برای شرکت در انتخابات باید شرایط خاصی داشته باشند. ملاکین و فلاحین باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد. تجار باید حجره و تجارت معین داشته و اصناف نیز باید دکانی داشته باشند که کرایه آن مطابق کرایه های حد وسط محلی باشد.^(۶۷) به این ترتیب نمایندگان از بین شاهزادگان قاجار، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، زمینداران، کشاورزان و پیشه وران به صورت جداگانه برگزیده شدند. ۴۱ درصد نمایندگان مجلس را تجار و اصناف تشکیل می دادند که پس از تغییر نظامنامه طبقاتی در مجلس دوم به ۹ درصد کل نمایندگان تبدیل شدند.^(۶۸) با آنکه تشکیل مجلس شورا، نخستین تجربه نمایندگان بود و اکثر افراد در آغاز آگاهی کافی از شیوه پارلمانی نداشتند، دوره اول مجلس از مهمترین دوره های قانونگذاری محسوب می شود. حضور تجار و اصناف،^(۶۹) شور و هیجان پیروزی بر مستبدین و جو ضدبیکانه رایج در این سالها، مجلس اول را قادر ساخت اقدامهایی در زمینه حمایت از سرمایه های داخلی، مقابله با نفوذ بیگانگان و محدود کردن قدرت سیاسی دربار انجام دهد. از مسائلی که مورد توجه تجار و از تقاضاهای اولیه آنها در تحصن های اعتراض پیش از مشروطیت بود و در این دوره بوسیله مجلس انجام پذیرفت، وادار کردن شاه به اخراج مستشاران بلژیکی به ریاست «نوز» بود که سرپرستی گمرکات کشور را به عهده داشتند.^(۷۰)

مورد دیگر، مخالفت مجلس با گرفتن وام جدید از کشورهای استعمارگر بود. سرآغاز این مخالفت و تجزیه و تحلیل زیانهای دریافت وام جدید، توسط معین التجار یکی از نمایندگان تجار در مجلس صورت گرفت.^(۷۱)

از مهمترین اقدامات مجلس اول، تصویب قانون اساسی و متمم آن بود. این مسأله می توانست حاکمیت قانون و استقرار نظم را رسمیت بخشد. اما این که عملاً تا چه میزان موفق بود و قدرت اجرایی داشت، مسأله دیگری است که پیش از این با شرح اوضاع عمومی کشور، اشاره هایی به آن صورت گرفت. قانون اساسی کشور بیشتر در چگونگی به کار بردن شیوه جدید پارلمانی، استقرار نظام مشروطیت و حوزه نفوذ و عملکرد مجلس و روابط بین شاه، دولت و مجلس سخن می گفت. طرح این مسأله که اعطای هرگونه امتیاز تجاری، صنعتی و فلاحتی، هرگونه استقراض و واگذاری امتیاز راه آهن و راههای شوسه بدون تصویب مجلس ممکن نیست (در اصول ۲۲ تا ۲۶ قانون اساسی) حاکی از واکنش تجار ایرانی در مقابل نفوذ سرمایه های بیگانه و ناتوانی آنها در مقابله با این هجوم بود.^(۷۲) اصولی از متمم قانون اساسی که می توانست بیشتر مورد توجه تجار و زمینداران قرار گیرد، اصول پانزده، شانزده و هفدهم بود.^(۷۳)

مورد می خوانیم: «قانون اساسی، اقتدار پادشاهی را کاملاً تنزل می دهد. ولی مهم ترین قسمت آن بیشتر راجع به تعیین اختیارات و اقتدار محاکم عدلیه است»^(۷۸)

آشکار بود که اصول مورد اشاره در صورت اجرا می توانست از هرج و مرج قضائی، عدم قانون مشخص و رواج احکام ناسخ و منسوخ که در این دوران فراوان شده بود، جلوگیری کند و به امور قضایی، نظم و تمرکز بیشتری دهد. هر چند به این ترتیب بر قدرت محاکم عرف افزوده، محاکم شرع کانالیزه و تنها در موارد خاص، امور شرعی به کار گرفته می شد.

از دیگر اقدامهای مهم مجلس اول می توان از اصلاح بودجه و تعدیل مخارج شاه و دربار، لغو رسم تیولداری که سبب بی نظمی در امور مالی می شد و نسخ قاعده تسعیر، تساوی حقوق پیروان مذاهب مختلف و برکناری برخی شاهزادگان و متنفذین محلی نام برد.^(۷۹)

مجلس جوان ایران پیش از پایان دو سال دوره قانونی خود با هجوم نیروهای هوادار استبداد محمدعلی شاهی منحل شد. در پی استمداد مردم شهرنشین از نیروی نظامی ملاکین و عشایر، حاکمیت سیاسی شاه از بین رفت و دوره دوم مجلس افتتاح شد. این استمداد بر روی بافت اعضای تشکیل دهنده مجلس تاثیر به سزایی داشت و موجب شد نمایندگان تجار و اصناف، نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده و تعداد آنها در مجلس دوم به ۹ درصد کاهش یابد و تعداد ملاکین از ۲۱ درصد دوره اول به ۳۰ درصد در دوره دوم افزایش یابد.^(۸۰)

بدیهی است چنین ترکیبی بر روی مصوبات این دوره نیز تاثیر می گذاشت. مجلس دوم با مشکلات فراوانی مواجه بود. قیام محمدعلی شاه و برادرانش در گوشه و کنار کشور، مساله اولتیماتوم روسیه و ورود نیروهای این کشور به خاک ایران و مسائل متعدد مالی که دولت را تحت فشار قرار داده بود، شرایط دشواری را بر مجلس تحمیل می کرد. با نگاهی به مصوبات مجلس دوم، آنچه بیش از پیش چشمگیر به نظر می رسد، استخدام گروه زیادی از مستشاران

نکته قابل توجه دیگر، قانون استقراض دو کرور و نیم لیره از بانک شاهنشاهی بود. درحالیکه در وقایع دوره اول مجلس، مخالفت تجار عمده با استقراض خارجی و طرح ایجاد بانک ملی به چشم می خورد. در این دوره، مجلس رسماً با گرفتن وام موافقت کرد. منتها تفاوت آن با وامهای گذشته این بود که مصارف آن تحت نظر مجلس صورت می گرفت و به مخارج شاه و درباریان اختصاص نداشت. ضمانت آن (وام دریافتی) مانند گذشته، عواید گمرک جنوب بود و به مصرف حقوق عقب افتاده قشون، خرید اسلحه و بخشی به مصرف حقوق عقب افتاده مامورین دولت، کارکنان پلیس و انتظامات و قسمتی به اداره پلیس فارس اختصاص یافت.^(۸۱)

مصارف این وام چند مورد را مشخص می کند. بیشتر این مبلغ برای مصرف در امور نظامی، امنیتی و حقوق کارمندان در نظر گرفته شد که حاکی از نگرانی دولت از اوضاع آشفته کشور و حملات پیاپی نیروهای مخالف بود که مخارج قشون و پلیس را در اولویت قرار می داد. اختصاص بخشی از این وام به اداره پلیس فارس نیز به منظور تامین امنیت راههای جنوب کشور بود که پیش از این اعتراض انگلستان را برانگیخته و منافع تجاری این کشور را به خطر انداخته بود.

در این دوره مجلس، از قوانین و لوایح تجاری، کمتر اثری به چشم می خورد. تنها به قانون قبول و نکول بروات تجارتی برمی خوریم که هدف آن ایجاد نظم در بکارگیری براتهای تجاری بود که بیشتر جنبه مالی داشت. از



■ یکی از مهم‌ترین مصوبات مجلس دوم، استخدام گروه زیادی از مستشاران اروپایی و آمریکایی برای اصلاح امور مالی و گمرک بود.

■ از جمله اقدام‌های مهم مجلس اول مشروطه، اصلاح بودجه و تعدیل مخارج شاه و دربار، لغو رسم تیولداری، نسخ قاعده تسعیر، تساوی حقوق پیروان مذاهب مختلف و برکناری برخی شاهزادگان و متنفذین محلی بود.

نکرد. در واقع می‌توان گفت که تجار-چنان که از مشروطیت متوقع بودند- به خواسته‌های خود نرسیدند و در زمینه‌های امنیت اجتماعی و راه‌ها با وضعی وخیم‌تر از گذشته روبرو شدند. به رغم تلاش مجلس اول در برآوردن این نیازها، این روند در سالهای بعد دنبال نشد. بلکه اوضاع سیاسی جهان و وضع اجتماعی ایران شرایط نامساعدتری را موجب شد. از این رو تجار در سال‌های پایانی عصر قاجار، حضور مجددی در اوضاع سیاسی کشور یافتند تا تمرکز سیاسی مورد نظر خود را برای فراهم ساختن امنیت لازم در امور تجاری، ایجاد کنند.

□ بی‌نویس

- ۱) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
 - مجدالملك سنکلی، رساله مجدیه، تصحیح سعید نفیسی (تهران، ۱۳۲۱ خورشیدی) ص ۶۱.
 - محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح (تهران، ۱۳۴۶ خورشیدی) ص ۲۲۶.
 - ۲) نگاه کنید به:
 - حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، ص ۵۲۸.
 - سرجان ملک، تاریخ ایران، به کوشش محمدالاصفهان‌ی (تهران، ۱۳۴۶ خورشیدی) ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۶.
 - مهدیقلی خان هدایت، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی (تهران، ۱۳۴۲ خورشیدی) بخش اول، ص ۲۵۵ و ۲۵۶.
 - ۳) فریدون آدمیت و هم‌ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده، دوران قاجار (تهران، ۱۳۵۶ خورشیدی) ص ۳۱۲-۳۱۱.
 - ۴) کتاب‌آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی)، ج ۱، ص ۴۴.
 - ۵) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
 - کتاب نارنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری (تهران، ۱۳۶۶ خورشیدی) ص ۹۸ و صفحات ۱۴۶-۱۳۷.
 - ۶) محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار (تهران، ۱۳۵۷ خورشیدی) ص ۵۶۹.
 - ۷) کتاب‌آبی، ج ۱، ص ۱۳۲.
 - ۸) همان جا، ج ۱، ص ۶۹، ۹۰، ۱۳۲.
 - ۹) ایران‌الکسیویچ زینوف، انقلاب مشروطیت ایران- نظرات یک دیپلمات روس- حوادث ایران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی (تهران، ۱۳۶۲ خورشیدی) ص ۱۰۵.
 - ۱۰) همان جا، ص ۱۳۳.
 - ۱۱) کتاب‌آبی، ج ۱، ص ۹۱.
 - در همین مورد، ص ۱۱۳.
 - ۱۲) همان جا، ج ۱، ص ۱۳۰.
 - ۱۳) همان جا، ج ۳، ص ۶۰۴.
 - ۱۴) برای آگاهی بیشتر از این گزارش‌ها نگاه کنید به:
 - کتاب‌آبی، ج ۲، ص ۴۱۳.
 - همان جا، ج ۱، ص ۱۵۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵

- (۲۶) کتاب آبی، ج ۶، ص ۱۴۴۸.
- (۲۷) زینوف، انقلاب مشروطیت، ص ۱۰۵.
- (۲۸) نگاه کنید به:
- کتاب آبی، ج ۴، ص ۸۶۷.
- (۲۹) نگاه کنید به:
- شوستر، اختناق ایران، ص ۲۵۰.
- (۳۰) نگاه کنید به:
- کتاب آبی، ج ۱، ص ۴۰.
- (۳۱) روزنامه صوراسرافیل، ۸ جمادی الاول ۱۳۲۵، ش ۴، ص ۴.
- (۳۲) کتاب نارنجی، ج ۲، ص ۱۶۵ - ۱۶۴.
- (۳۳) کتاب آبی، ج ۱، ص ۶۵، ۷۱.
- (۳۴) شوستر، اختناق ایران، ص ۱۵.
- (۳۵) (بی نام)، کشف تلبیس، دورویی و نیرنگ انگلیس، (برلین، ۱۳۳۶ خورشیدی) ص ۷-۶.
- شوستر، اختناق ایران، ص ۵۶.
- (۳۶) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
- کتاب آبی، ج ۴، ص ۸۲۶.
- حسن تقی زاده، زندگی طوفانی (خطرات سیدحسن تقی زاده)، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۶۷ خورشیدی) ص ۶۲.
- کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۷۹ - ۱۷۶.
- (۳۷) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
- کشف تلبیس، ص ۱۶ - ۱۲.
- محمدتقی (ملک الشعراء) بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی (اتقراض چارجره)، (تهران، ۱۳۲۳ خورشیدی)، ج ۱، ص ۵ - ۳.
- (۳۸) تقی زاده، خطرات تقی زاده، ص ۶۲.
- (۳۹) نگاه کنید به:
- کتاب آبی، ج ۳، ص ۶۹۹، کشف تلبیس، ص ۲۸.
- (۴۰) ابراهیم صفایی، اسناد مشروطه، (تهران، ۱۳۴۸)، ص ۱۳ - ۱۲.
- (۴۱) نگاه کنید به:
- شوستر، اختناق ایران، ص ۱۵، ۲۰۵ - ۲۰۲.
- (۴۲) برای آگاهی بیشتر از شیوه مالیات گیری و اوضاع مالی ایران در این سالها نگاه کنید به:
- همان جا، ص ۱۲ و ۱۵ و ۱۰۴ - ۱۰۳.
- همچنین نگاه کنید به:
- محمدحسین احمدی، تاریخ تطور سیستم مالیاتی در دوران شاهنشاهی ایران (تهران، ۱۳۵۴ خورشیدی) ص ۱۰۸ و ۱۲۴ - ۱۱۲.
- (۴۳) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
- جمالزاده، گنج شایگان، برلن (بی تا) ص ۱۰۰.
- برای آگاهی در مورد طرح صنایع دوله نگاه کنید به:
- کتاب نارنجی، ج ۱، ص ۱۲۰ - ۱۱۹.
- مهدی قلیخان هدایت (مخبر السلطنه) طلوع مشروطیت، به کوشش امیر اسماعیلی (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی) ص ۱۱۷ - ۱۱۴.
- (۴۴) کتاب نارنجی، ج ۱، ص ۱۲۸ - ۱۳۷.
- (۴۵) نگاه کنید به:
- کشف تلبیس، ص ۱۶ - ۱۲.
- (۴۶) نگاه کنید به: کتاب نارنجی، ج ۲، ص ۱۹۱.
- شوستر، اختناق ایران، ص ۲۰۵ - ۲۰۲.
- (۴۷) شوستر، اختناق ایران، ص ۳۹.
- برای آگاهی بیشتر از مالیه ایران نگاه کنید به:
- «مذاکرات مجلس» روزنامه رعد، ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۳۳، ش ۸۲، ص ۱.
- در مورد اخراج شوستر نگاه کنید به:
- کشف تلبیس، ص ۳۰ - ۲۹.
- (۴۸) نگاه کنید به:
- کتاب آبی، ج ۱، ص ۵۳.
- کشف تلبیس، ص ۳۰ - ۲۹.
- (۴۹) نگاه کنید به:
- کتاب نارنجی، ج ۲، ص ۱۹۱.
- (۵۰) شوستر، اختناق ایران، ص ۵۶ - ۵۳.
- (۵۱) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
- کتاب نارنجی، ج ۲، ص ۱۳۲ و ۱۵۵.
- شوستر، اختناق ایران، ص ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۶.
- (۵۲) شوستر، اختناق ایران، ص ۱۷۴.
- (۵۳) کتاب آبی، ج ۴، ص ۸۷۷ - ۸۷۶.
- (۵۴) «نامه حاجی شیخ محمدتقی وکیل الرعایا از همدان به عین الدوله وزیر داخله» ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۱، آلبوم شماره ۳۰۷ (مرکز اسناد ملی).
- (۵۵) «تلگراف (حاکم) شهر همدان به طهران» ۲۹ دلو ۱۳۳۱ قمری، آلبوم شماره ۳۰۷ (مرکز اسناد ملی).
- (۵۶) کتاب آبی، ج ۱، ص ۵۳.
- (۵۷) «نامه حاج شیخ محمدتقی وکیل الرعایا از همدان به عین الدوله وزیر داخله»، ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۱، آلبوم شماره ۳۰۷ (مرکز اسناد ملی).
- (۵۸) در این مورد نگاه کنید به:
- «نامه وزارت مالیه به وزارت داخله» ۱۱ حوت ۱۳۳۱ قمری، آلبوم شماره ۳۰۷ (مرکز اسناد ملی).
- همچنین نگاه کنید به:
- همان جا «تلگراف وزارت داخله به وزارت مالیه» ۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۱.
- (۵۹) همان جا «نامه وزارت داخله به حکومت همدان» ۲ ربیع الثانی ۱۳۳۱.
- (۶۰) همان جا «نامه وزارت داخله به حکومت همدان» ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۱.
- همان جا، «تلگراف مظفرالملک از همدان به طهران».
- ۴ محرم ۱۳۳۱.
- (۶۱) «اعلان حکومت دارالخلافه طهران» ۱۱ صفر ۱۳۲۸، آلبوم شماره ۶۴۲ (مرکز اسناد ملی).
- (۶۲) در این مورد نگاه کنید به:
- «نامه خبازخانه طهران به حکومت دارالخلافه طهران» ۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۲، آلبوم شماره ۷۵۱ (مرکز اسناد ملی).
- همان جا، «نامه وزارت داخله به حکومت دارالخلافه طهران» ۱۷ صفر ۱۳۳۲.
- (۶۳) «تلگرافی از همدان به عین الدوله وزیر داخله» ۱۲ صفر ۱۳۳۱، آلبوم شماره ۳۰۷ (مرکز اسناد ملی).
- همچنین نگاه کنید به:
- «نامه اداره خبازخانه طهران به حکومت دارالخلافه»، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۲، آلبوم شماره ۷۵۱ (مرکز اسناد ملی).
- (۶۴) «تلگراف از همدان به عین الدوله وزیر داخله» ۱۹ صفر ۱۳۳۱، آلبوم شماره ۳۰۷ (مرکز اسناد ملی).
- (۶۵) «نامه اداره خبازخانه طهران به حکومت دارالخلافه»، ۲۰ ربیع الاول ۱۳۳۲، آلبوم شماره ۷۵۱ (مرکز اسناد ملی).
- (۶۶) در مورد مصوبات دوره اول قانونگذاری نگاه کنید به:
- مجلس (انتشارات)، مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، (تهران، بی تا).
- پی تا.
- (۶۷) ناظم الاسلام، تاریخ پیداری ایرانیان، بخش اول، ص ۶۰۲.
- (۶۸) زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری (تهران ۱۳۴۴ خورشیدی) ص ۱۸۰ (جدول شماره ۴).
- (۶۹) کسروی اسامی نمایندگان تجار در مجلس اول را به این صورت نام می برد:
- حاجی حسین آقا امین الضرب، حاجی سیدمرتضی مرتضوی، حاجی محمد اسمعیل مغازه، حاجی معین التجار بوشهری، میرزا محمود اسپهانی، حاجی محمدعلی شالفرش، حاجی محمدتقی شاهرودی و ثوق الدوله، محقق الدوله، مخبرالملک.
- از پیشهوران: میرزا محمود کتابفروش، حاجی میرزا ابراهیم خیاطباشی، حاجی سیدابراهیم حریرفروش، شیخ حسین سقطچی، حاجی محمدابراهیم وارث، ملاحسن وارث، حاجی محمدتقی بنکدار، دکتر سیدولی الله خان، امین التجار کردستانی، حاجی سیدآقا تیرفروش، حاجی میرزا احمد زرگرباشی، حاجی شیخ اسماعیل بلورفروش، مشهدی باقر بقال، شیخ حسن علاقه بند، استاد حسن معمار، سیدحسن بروجرودی، شیخ حسین علی، آقا حسین قلی، حاجی عباسعلی، حاجی عبدالوهاب، حاجی علی اکبر بلوین، استاد غلام رضا یخدانسانز، حاجی سیدمحمد ساعت ساز، حاجی سیدمحمدباقر، سیدمحمدتقی هراتی، سیدمصطفی سمسار، سیدمهدی دلال (کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۶۸).
- (۷۰) در این مورد نگاه کنید به:
- کشف تلبیس، ص ۹.
- شوستر، اختناق ایران، ص ۷۸.
- (۷۱) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
- کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۷۷.
- در همین مورد نگاه کنید به:
- شوستر، اختناق ایران، ص: ۲۷ - ۲۳.
- (۷۲) مصوبات مجلس، ص ۹.
- (۷۳) همان جا، ص ۲۰.
- (۷۴) همان جا، ص ۱۰۱.
- (۷۵) همان جا، ص ۲۴۳.
- (۷۶) همان جا، ص ۳۰.
- (۷۷) همان جا، ص ۲۲.
- (۷۸) کتاب آبی، ج ۱، ص ۹۸.
- (۷۹) شجیعی، نمایندگان مجلس، ص ۱۳۶.
- (۸۰) همان جا، ص ۱۸۰ (جدول شماره ۴).
- (۸۱) در این مورد نگاه کنید به:
- مصوبات مجلس، ص ۵۰۶ - ۴۹۴.
- (۸۲) همان جا، ص ۳۴۷ - ۳۴۶.
- (۸۳) همان جا، ص ۴۷۵ - ۴۷۳.
- (۸۴) همان جا، ص ۴۸۷، ۴۸۰ - ۴۷۹.